



## واکاوی و کشف مشکلات آموزشی، رفاهی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان نابینا به منظور آگاه سازی اعضای جامعه دانشگاهی

سکینه فرخیان<sup>۱</sup>، محمد عاشوری<sup>۲\*</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی و کشف مشکلات آموزشی، رفاهی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان نابینا به منظور آگاه سازی اعضای جامعه دانشگاهی انجام شد. این پژوهش از نوع کیفی بود و از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. شرکت کنندگان در پژوهش شامل کلیه دانشجویان نابینای شهر شیراز بود که به روش نمونه گیری هدفمند از نوع ملاکی انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در تحلیل داده های حاصل از مصاحبه از روش تحلیل پدیدارشناسی توصیفی و کدگذاری همزمان استفاده شد. با تحلیل یافته های حاصل از مصاحبه، پنج مقوله اصلی و دوازده مقوله فرعی به دست آمد. مقوله اصلی امکانات ساختاری و آموزشی شامل سه مقوله فرعی رفت و آمد، امکانات تحصیلی، و آموزش و ارزشیابی می شد. مقوله اصلی تسهیلات رفاهی و بهزیستی دو مقوله فرعی تغذیه و بهداشت و همچنین زیست خوابگاهی را در بر می گرفت. مقوله اصلی نگرش فرهنگی و باورها شامل دو مقوله فرعی نگرش مثبت و خودباوری و همچنین اطلاع رسانی و آگاه سازی می شد. مقوله اصلی برنامه های فرهنگی و اجتماعی سه مقوله فرعی اطلاع رسانی برنامه ها، مراسم های مذهبی، و اردوها و بازدیدهای گروهی را در بر می گرفت. مقوله اصلی مشارکت اجتماعی و داوطلبانه شامل دو مقوله فرعی دسترسی به مکان های فرهنگی و همیار دانشجویی می شد. بر اساس یافته ها، بررسی مسائل دانشجویان دارای آسیب بینایی نشان داد که آنها در دانشگاه با مشکلاتی مواجه می شوند که می توان مداخلات مناسبی را با استفاده از مقوله های اصلی و فرعی این پژوهش طراحی کرد و مشکلات آنان را کاهش داد.

**واژه های کلیدی:** دانشجویان نابینا، مشکلات آموزشی، مشکلات اجتماعی، مشکلات رفاهی، مشکلات فرهنگی

تاریخ پذیرش: ۷ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۶ مهر ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۶ شهریور ۱۴۰۳

۱. دانشجوی دکتری روان شناسی و آموزش افراد با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه روان شناسی و آموزش افراد با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
Email: m.ashori@edu.ui.ac.ir

## مقدمه

اختلال بینایی به عنوان آسیب یا بیماری چشم یا سیستم بینایی تعریف می‌شود و زمانی که نتوان آن را با عینک یا دارو اصلاح کرد، به عنوان یک ناتوانی در نظر گرفته می‌شود (کاین و فانشو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). با کاهش حدت بینایی و یا کاهش میدان بینایی می‌توان تشخیص داد که یک فرد دارای آسیب بینایی است. آسیب بینایی بر اساس طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها به چهار دسته خفیف، متوسط، شدید و عمیق تقسیم می‌شود (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۸). تحصیل افراد با نیازهای ویژه به خصوص در سطح دانشگاه از عواملی است که با داشتن فرصت‌های برابر، مشارکت افراد با آسیب بینایی را در جامعه تسهیل می‌کند (فولارتون و داکيوته<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). دانشجویان با آسیب بینایی بیشترین آمار تحصیل کرده‌ها را در میان افراد با نیاز ویژه به خود اختصاص داده‌اند (ادیب و عظیمی، ۱۳۹۹). برای این دانشجویان، دانشگاه یک فرصت برای توانمندسازی و وسیله‌ای برای بهبود کیفیت زندگی است (هلنا مارتینز، بورخس و گونسالوز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). با این حال، اغلب افراد با آسیب بینایی در چشم‌انداز پیچیده‌ای از موانع اجتماعی و حاشیه‌نشینی زندگی می‌کنند که بر رفاه و مشارکت آنها در حوزه‌های مختلف زندگی تأثیر می‌گذارد (سری تاکشارا و بوانسواری<sup>۴</sup>، ۲۰۲۵). دانشجویان نابینا با حضور در دانشگاه با چالش‌های زیادی روبرو می‌شوند. محدودیت‌های آنها از همان ابتدای ورود به دانشگاه شروع می‌شود. مساله خوابگاه، هم‌اتاقی، دانشکده‌ها، رفت و آمد، روابط با اساتید و همکلاسی‌ها، مسائل آموزشی و دیگر چالش‌های احتمالی وجود دارد (حسینعلی‌زاده، فرامرز، فروتن و محسنی‌اژیه، ۱۴۰۱). با این‌که الزامات قانونی برای تعدیل‌هایی که باید برای افراد دارای ناتوانی از جمله آسیب بینایی انجام شود تا به روشی عادلانه در آموزش گنجانده شود، این امر به ندرت به عمل تبدیل شد. این محدودیت‌ها باعث ایجاد حس انزوای در محیط آموزشی می‌شود (دانلوپ، ترستون، فرث و ساوت وود<sup>۵</sup>، ۲۰۲۴).

فعالیت‌های فرهنگی و هنری در واقع نوعی تعلیم و تربیت غیررسمی به شمار می‌آید. این فعالیت‌ها اغلب بیش از یک هدف دارند. برای مثال، تفریح و فعالیت‌های فراغتی به افراد اجازه می‌دهد تا به آرامش برسند و همچنین به دانش جدید دست یابند، با مردم ملاقات کنند، تماس برقرار کنند و تجربیات خود را به اشتراک بگذارند (کروکوسکایت و سادوسکاس<sup>۶</sup>، ۲۰۲۴). بنابراین فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی مکمل و درهم‌تنیده هستند. نحوه گذران اوقات فراغت یکی از حوزه‌هایی است که اغلب افراد با آسیب بینایی در آن با مشکل مواجه هستند. محدودیت در سفر کردن، گردش رفتن و استفاده از وسایل تفریحی گوناگون، فرصت تجربه استقلال را از فرد با آسیب بینایی می‌گیرد. به این ترتیب با محدودیت‌های بیشتری در حوزه اوقات فراغت مواجه می‌شود (خونساری و عاشوری، ۱۴۰۲). فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی با هدف حفظ ارزش‌های فرهنگی و سنتی یک ملت انجام می‌شود، به طوری که ارزیابی و ابراز عقیده فرد را در جامعه تسهیل می‌کند. فرآیندهای شناسایی خود، نگرش، ارزش‌ها و عزت‌نفس افراد را تغییر می‌دهد (سینکونی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲). اوقات فراغت به عنوان یکی از فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی به مشارکت افراد نابینا در جامعه از طریق فعالیت‌های هنری، صنایع دستی، شرکت در رویدادهای فرهنگی و مذهبی و ابراز وجود کمک می‌کند. افراد دارای ناتوانی که به‌طور فعال در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند، در جامعه فعال هستند و طرد نمی‌شوند، احساس می‌کنند که با سایر اعضای جامعه برابر هستند. زیرا می‌توانند از توانایی‌های خود استفاده کنند (کودریاوتسوا<sup>۸</sup>، ۲۰۲۲). فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی به ساختن جامعه‌ای فراگیر کمک می‌کند. این فعالیت‌ها به افراد دارای ناتوانی کمک

1. Cain & Fanshawe
2. Fullarton, & Duquette
3. Helena Martins, Borges & Gonçalves
4. Sri Takshara & Bhuvanewari
5. Dunlop, Thurston, Firth & Southwood
6. Kruckauskaite & Sadauskas
7. Sinkuniene
8. Kudryatseva

می‌کند تا روابط اجتماعی برقرار کنند، به آنها اجازه می‌دهد تا توانایی‌های خلاقانه خود را بشناسند و توسعه دهند، علایق زیبایی‌شناختی را تقویت کنند، راحت‌تر با جامعه سازگار شوند و چالش‌های دشوار زندگی را حل کنند (میرزاجونوا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲).

افراد نابینا معمولاً به دلیل داشتن تجربه‌های متفاوت از دیگران، در سازگاری با محیط با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند. نابینایی ممکن است به عنوان مانعی در تعاملات اجتماعی سبب شود که آنان در مقایسه با همسالان خود ارتباط اجتماعی کمتری داشته باشند و چون ادراک از خود و برداشت فرد از خویش دارای بار قوی اجتماعی است و روی بعد عاطفی ارزشیابی آنان تأثیر می‌گذارد (عاشوری، ۱۴۰۲). دغدغه‌های مرتبط با زندگی جوانان نابینا و کم‌بینا معمولاً در تحصیل، استخدام یا آموزش طبقه‌بندی می‌شوند و تفاوت معناداری بین این افراد و هم‌تایان بینای آنها در این موارد وجود دارد (ویتبرن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). در مجموع، افراد دارای آسیب بینایی باید در برابر استانداردهای علمی، رفتاری و اجتماعی مشابه همسالان خود پاسخگو باشند، زیرا آنان در نهایت در بازار کار مشابهی رقابت خواهند کرد و به دلیل ناتوانی از مسئولیت‌هایشان کاسته نخواهد شد (کاین و فانشو، ۲۰۲۰). دانش‌آموزان دارای آسیب بینایی اغلب مشکلات عاطفی را تجربه می‌کنند و در ایجاد و حفظ روابط اجتماعی با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی از این دانش‌آموزان توسط کارکنان و هم‌تایان آنها در مؤسسات آموزشی ممکن است تأثیر مثبتی بر یادگیری تحصیلی و رشد اجتماعی-عاطفی آنها داشته باشد (مانیتسا و دویکو<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). نابینایان باید در فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی جامعه مشارکت فعال‌تری داشته باشند که باعث افزایش شمول نابینایان در جامعه، شناسایی توانمندی نابینایان و ایجاد تغییرات مثبت در جامعه شود. همدلی می‌تواند ابزاری برای رسیدن به این هدف باشد (کروکوسکایت و ساداووسکاس، ۲۰۲۴). افراد بزرگسال با آسیب بینایی کیفیت زندگی پایین‌تری نسبت به جمعیت عمومی در تمام گروه‌های سنی دارند. آنان دسترسی کمتری به بازار کار دارند. منابع روانی اجتماعی مانند با هم بودن، حمایت اجتماعی و خودکارآمدی عمدتاً ناشی از تعامل فرد با جامعه است. رفع موانع مشارکت اجتماعی می‌تواند باعث افزایش خودکارآمدی و جلوگیری از طرد اجتماعی و تنهایی شود (بونساکسن، برونز و هیر<sup>۴</sup>، ۲۰۲۳).

نتایج پژوهش سری تاکشارا و بوانسواری (۲۰۲۵) نشان داد که می‌توان تاب‌آوری و بهزیستی را در افراد با آسیب بینایی با برجسته کردن ارتباط بین عامل فردی، محیط‌های حمایتی و نگرش‌های اجتماعی تقویت کرد. علاوه بر این، با حمایت از آموزش فراگیر، فناوری در دسترس، و فرهنگ پذیرش می‌توان آنها را برای ساختن زندگی معنادار و کمک کامل به جامعه توانمند کرد. یافته‌های پژوهش باسو و سامبات رانی<sup>۵</sup> (۲۰۲۳) نشان داد که مهم‌ترین موانع برای اشتغال افراد دارای آسیب بینایی شامل مسائل مختلف مرتبط با محل کار از جمله حمل و نقل، قصد کارفرما برای استخدام، و کمبود فناوری کمکی می‌شود. براون، پکر و پاسمور<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) که تجربیات دانش‌آموزان با آسیب بینایی در مدارس عادی استرالیا را مورد بررسی قرار دادند، بر اهمیت توجه به طراحی محیط یادگیری و متناسب‌سازی آن برای اطمینان از فراگیرسازی تحصیلی، فیزیکی و اجتماعی تأکید کردند. نتایج پژوهش عاشوری و شریفی (۱۴۰۲) درباره تجربه زیسته دانشجویان با آسیب بینایی نشان داد که رفع موانع خیابان‌ها و پیاده‌روها، نصب کفپوش یا خط ویژه نابینایان در محوطه داخلی دانشکده‌ها، برجسته کردن شماره کلاس‌ها و اتاق‌های اداری، اختصاص اتاق مناسب برای انجام فعالیت‌های علمی، تعیین مکان مشخص برای وسایل سالن غذاخوری و خوابگاه باعث می‌شود محدودیت‌های آنها کاهش یابد.

عواملی مانند تنهایی سبب نگرانی افراد دارای آسیب بینایی می‌شود، زیرا بینایی یک حسی کلیدی برای تعاملات بین فردی و ارتباطات اجتماعی است. افراد نابینا یا کم‌بینا فرصت‌های کمتری برای یادگیری و اصلاح مهارت‌های اجتماعی دارند (رنگانی و

1. Mirzajonova  
2. Whitburn  
3. Manitsa & Doikou  
4. Bonsaksen, Brunus & Heir  
5. Basu & Sambath Rani  
6. Brown, Packer & Passmore

عاشوری، ۱۴۰۲). برداشتن موانع و مناسب‌سازی محیط به حرکت مستقل افراد نابینا کمک می‌کند. حرکت مستقل در محیط به بهبود خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود و بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان نابینا منجر می‌شود (کمالی و عاشوری، ۲۰۲۳). تحصیل دانشجویان با آسیب بینایی در دانشگاه با محدودیت‌های مختلفی همراه است. با بررسی محدودیت‌های این قشر از دانشجویان می‌توان مسیر آنان را هموار کرد و مشکلات مختلفی که در دانشگاه دارند را کاهش داد. این امر حاکی از ضرورت و اهمیت پژوهش در این حوزه است. هرچند پژوهش‌هایی درباره دانشجویان با آسیب بینایی انجام شده ولی بیشتر بر محدودیت‌های محیطی و فیزیکی تاکید شده و کمتر به مسائل آموزشی، رفاهی، فرهنگی و اجتماعی پرداخته شده است. از طرف دیگر در بیشتر پژوهش‌ها به بررسی چالش‌های دانش‌آموزان یا بزرگسالان با آسیب بینایی پرداخته شده است. این موارد بیانگر نوآوری پژوهش حاضر هستند. علاوه بر این، در پژوهش حاضر تاکید ویژه‌ای بر مشکلات آموزشی، رفاهی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان نابینا شده که حاکی از خلاء پژوهشی در این حوزه است. از این رو هدف اصلی این پژوهش واکاوی مشکلات آموزشی، رفاهی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان نابینا در دانشگاه است تا ضمن آگاه‌سازی دانشگاهیان از نیازهای این دانشجویان، در جهت رفع محدودیت‌های آنان تدابیری اندیشیده شود.

## روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی است که با روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. جامعه آماری را دانشجویان نابینا شهر شیراز که در دوره‌های مختلف تحصیلی در حال تحصیل یا به تازگی فارغ‌التحصیل شده اند تشکیل داده است. نمونه با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها و عدم دستیابی به داده‌های جدید ادامه یافت. شرکت‌کنندگان با توجه به معیارهایی همچون شناخت و علاقه به موضوع پژوهش و داشتن زمان کافی جهت مصاحبه انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل تمایل برای شرکت در پژوهش و تحصیل یا فارغ‌التحصیلی در دوره کارشناسی و بالاتر بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل عدم تمایل به ادامه مشارکت در پژوهش و ادامه مصاحبه بود.

## ابزار سنجش

برای گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. سوالات مصاحبه بر اساس تحلیل محتوای متون و گزارش پژوهش‌ها طراحی و برای بررسی روایی محتوایی هر سوال از ضریب نسبت روایی محتوایی<sup>۱</sup> استفاده شد. چهار متخصص با تحصیلات دکتری روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی که حداقل سه سال تجربه کار با افراد دارای آسیب بینایی را داشتند سوالات را بر اساس سه طبقه ضروری، مفید و غیرضروری طبقه‌بندی کردند. نسبت روایی محتوایی نیز بر اساس این فرمول محاسبه شد. یعنی تعداد متخصصانی که هر سوال را ضروری می‌دانستند منهای نصف تعداد متخصصان شده و نتیجه بر نصف تعداد متخصصان تقسیم می‌شد. در واقع، در صورتی که سه یا چهار متخصص هر سوال را ضروری ارزیابی می‌کرد ضریب نسبت روایی آن به ترتیب ۷۵ یا ۱۰۰ درصد می‌شد و سوال باقی می‌ماند، در غیر این صورت سوال مربوطه حذف می‌شد. در نهایت، چهار سوال تأیید شد: در دانشگاه و خوابگاه با چه مشکلات آموزشی رفاهی روبه‌رو بودید؟ مشکلات رفاهی شما در دانشگاه و خوابگاه چیست؟ برای شرکت در برنامه‌های فرهنگی دانشگاه چه مشکلاتی داشتید؟ در برنامه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی با سایر افراد در دانشگاه با چه مسائلی روبه‌رو می‌شدید؟

زمان و مکان مصاحبه با توافق مشارکت‌کنندگان تعیین گردید. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۳۵ الی ۵۰ دقیقه متغیر بود. در ابتدا، هدف پژوهش به همه شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و آنها اطمینان پیدا کردند که نام و سایر اطلاعات آنها محرمانه است و از اطلاعات بدون ذکر نام و به صورت کلی برای پژوهش استفاده گردد. علاوه بر این، شرکت‌کنندگان این اختیار را

1. Content validity ratio (CVR)

داشتند و آزاد بودند تا در صورت عدم تمایل به مشارکت در طی پژوهش از ادامه همکاری خودداری نمایند. در ضمن، به آنها توضیح داده شد که شرکت در پژوهش حاضر اختیاری است و هیچ‌گونه پیامد ناگوار روانی و عاطفی و هزینه مالی برای آن‌ها ندارد.

### شیوه اجرای پژوهش

ابتدا به انجمن نابینایان شهر شیراز مراجعه شد. پس از هماهنگی با شرکت‌کنندگان، ابتدا ارتباط مناسبی با هر شرکت‌کننده برقرار شد و سپس سوالاتی ذکر شده در بخش ابزار پژوهش برای واکاوی و کشف مشکلات رفاهی، فرهنگی و اجتماعی دوران دانشجویی در محیط دانشگاه پرسیده شد. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۳۵ الی ۵۰ دقیقه متغیر بود. برخی از مصاحبه‌ها در دانشگاه شیراز، دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر و دانشگاه آزاد شیراز بود و برخی مصاحبه‌ها با معلمانی که دانشجوی تحصیلات تکمیلی بودند در مدرسه نابینایان شیراز انجام شد. سوالات مربوط به هر مقوله آموزشی، رفاهی، فرهنگی و اجتماعی به صورت جداگانه بررسی شد. مصاحبه تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. از روش کدگذاری برای تحلیل عمیق یافته‌ها استفاده شد. بدین صورت که مصاحبه‌ها ضبط و با دقت یادداشت‌برداری شد. مصاحبه‌های ضبط شده چندین بار گوش داده شد. سوالات مربوط به هر مقوله جداگانه بررسی و روی کاغذ یادداشت شد. زیر اطلاعات و جملات مهم خط کشیده شد. سپس با استفاده از روش کدگذاری، مفاهیم اولیه مربوط به هر داده مشخص شد. سپس مفاهیم فرعی مربوط به هر دسته مقوله دسته‌بندی شده و در جدول مربوط درج گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد. براساس این روش، ابتدا با خواندن دقیق و مکرر مصاحبه‌ها و توصیف شرکت‌کنندگان سعی شد که با آنها هم‌احساس شده و در مرحله دوم جمله‌ها و واژه‌های مهم از متن مصاحبه استخراج شدند. سپس معانی استخراج شده، مفهوم‌سازی و کدبندی شدند. پس از بازخوانی مکرر کدها، مفاهیم، در درون دسته‌های موضوعی قرار گرفته و مفاهیم اصلی به‌دست آمد و در آخر با ترکیب کلیه نظرات استنتاج شده یک توصیف کامل از جنبه‌ها به‌دست آمد. از قابلیت اطمینان و ملاک‌های اعتبار برای اعتباربخشی نهایی استفاده شد. یکی از این راهبردها بازنگری صاحب‌نظران در حوزه پژوهش‌های کیفی بود که نظرات تکمیلی و اصلاحی آنان در نظر گرفته شد. هم‌چنین از بازنگری مشارکت‌کنندگان استفاده شد و کدگذاری‌ها در اختیار آنان قرار گرفت و بازخوردهای آنان مورد توجه واقع شد.

### یافته‌ها

در این پژوهش دامنه سنی شرکت‌کنندگان بالای ۲۰ سال، ویژگی‌های جمعیت‌شناسی شرکت‌کنندگان در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی شرکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	مقطع	وضعیت تحصیل	شغل	تاهل	محل زندگی
۱	زن	۴۳	دکترا	ترم هفتم	مدرس	متاهل	خانواده
۲	زن	۴۵	کارشناسی ارشد	ترم آخر	دانشگاه	متاهل	خانواده
۳	زن	۳۸	کارشناسی ارشد	تازه فارغ‌التحصیل	معلم	مجرد	خانواده
۴	مرد	۴۲	کارشناسی ارشد	ترم سوم	معلم	متاهل	خانواده
۵	مرد	۳۹	کارشناسی ارشد	تازه فارغ‌التحصیل	مددکار	متاهل	خانواده
۶	زن	۳۰	کارشناسی ارشد	ترم دوم	معلم	مجرد	خانواده
۷	مرد	۳۶	کارشناسی	ترم ششم	معلم	متاهل	خانواده
۸	زن	۳۷	کارشناسی	تازه فارغ‌التحصیل	کارمند	مجرد	خانواده
۹	زن	۲۴	کارشناسی	ترم پنجم	معلم	مجرد	خوابگاه
۱۰	مرد	۲۶	کارشناسی	ترم هفتم	دانشجو	مجرد	خوابگاه
۱۱	مرد	۲۳	کارشناسی	ترم پنجم	دانشجو	مجرد	خانواده
۱۲	زن	۲۲	کارشناسی	ترم دوم	دانشجو	مجرد	خانواده

با توجه به نتایج جدول ۱، سن افراد بین ۲۲ تا ۴۵ سال بود. از نظر میزان تحصیلات شرکت‌کنندگان، ۱ نفر دانشجوی دکترا، ۵ نفر دانشجوی کارشناسی‌ارشد و ۶ نفر دانشجوی کارشناسی بود. از این افراد ۵ نفر مرد و ۷ نفر زن بودند. از این تعداد نیز ۳ مرد و دو زن متأهل بودند. از تحلیل داده‌های مصاحبه پیرامون مشکلات و مسائل رفاهی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان نابینا مقوله‌های اصلی و فرعی به دست آمد که به همراه مثال در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

## جدول ۲. مقوله‌های اصلی و فرعی

مقاله‌های اصلی	مقاله‌های فرعی	مثال
امکانات ساختاری و آموزشی	امکانات تحصیلی	وسایل نقلیه، محیط دانشگاه و خوابگاه، خیابان‌ها، پیاده‌روها، پله‌ها، راهنماها، علائم و سرنخ‌ها، کلاس‌ها، سالن‌ها و سایر مکان‌های دانشکده، آموزش راننده‌ها و کارکنان فضای کلاس، تجهیزات دانشکده و کلاس، دفتر خدمات آموزشی، دکوراسیون، خط راهنمای نابینایان، ضبط صدا در کلاس، تبدیل متن به فایل صوتی، نرم‌افزارهای آموزشی، کامپیوتر گویا، همسال بینا
آموزش و ارزشیابی	آموزش و ارزشیابی	آموزش اساتدان و دانشجویان، آموزش فراگیر، فناوری کمکی، مناسب‌سازی روش‌های متنوع ارزشیابی، همیار کلاسی، زمان اضافه برای امتحانات، منشی پژوهشی، منشی برای امتحان، انطباق سواد منشی با امتحان مربوطه
تسهیلات رفاهی و بهزیستی	تغذیه و بهداشت زیست خوابگاهی	دسترس‌پذیری فروشگاه، تعاونی، بوفه، رستوران، سلف، رزرو غذا، سالن‌ها، آشپزخانه، اجاق گاز، یخچال، آب‌خوری‌ها، سرویس بهداشتی، حمام، آموزش کارکنان تعداد هم‌اتاقی‌ها، اقامت در طبقات بالا، اتاق مطالعه، مکان استراحت و تفریح در محوطه خوابگاه، سالن ورزشی، دفتر فوق برنامه، سالن آمفی‌تئاتر
نگرش فرهنگی و باورها	نگرش مثبت و خودباوری اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی	نگرش مثبت به توانمندی‌ها، باور داشتن توانایی خود، اطلاع از حقوق خود، حس ترجم، مشارکت، توجه به توانایی‌ها و محدودیت‌ها، پذیرش اطلاع‌رسانی از طریق گروه‌های کلاسی، آگاه‌سازی از طریق رسانه‌های مجازی، کارگاه‌های آگاه‌سازی برای اساتدان و دانشجویان با و بدون آسیب بینایی
اطلاع‌رسانی برنامه‌ها	اطلاع‌رسانی برنامه‌ها	اطلاع‌رسانی همایش‌ها و جشن‌های فرهنگی، برنامه‌های مناسبی، اردوهای تفریحی، برنامه‌های ورزشی و همایش‌های اجتماعی و فرهنگی
برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی	مراسم‌های مذهبی	شرکت در نماز جماعت، اعیاد ملی و مذهبی، مراسم‌ها و مناسبت‌های فرهنگی، برنامه تشکیل‌های دانشجویی مانند بسیج و کانون‌های فرهنگی اجتماعی مانند کانون ایثار و شهادت و کانون انتظار
اردوها و بازدیدهای گروهی	اردوها و بازدیدهای گروهی	شرکت در اردوهای فرهنگی، راهیان نور، مشارکت در بازدیدهای تفریحی، شرکت در دوره‌های دوستانه، گردش و تفریح دسته‌جمعی
مشارکت اجتماعی و داوطلبانه	دسترس‌ی به مکان‌های فرهنگی	دسترس‌ی به دفتر معاون و کارشناس فرهنگی، دسترس‌ی و عضویت در انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی اجتماعی، دسترس‌ی و عضویت در تشکلهای دانشجویی مانند بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی
	همیار دانشجویی	مشارکت در طرح همیار دانشجویی، مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و جنبش‌های دانشجویی، مشارکت در جمع‌آوری کمک‌های مردمی و جشن‌های خاص، تمرین آمادگی برای اشتغال

یافته‌ها در جدول ۲ حاکی از ۵ مقوله اصلی و ۱۲ مقوله فرعی بود که در ادامه به شرح هر یک از مقوله‌ها به دست‌آمده و زیرمجموعه‌های آن پرداخته شده است.

**امکانات ساختاری و آموزشی:** در ارتباط با مناسب‌سازی فیزیکی محیط دانشگاه اغلب دانشجویان بیان کردند که مشکلات رفت و آمد و موانع بر سر راه عبور و مرور در دانشگاه وجود داشت. زمین ناهموار بود و در مسیر موانعی وجود داشت. جابجایی وسایل در داخل دانشکده از جمله راهروها و جابه‌جا کردن صندلی‌ها در کلاس برای آنان که به آن عادت کرده بودند دشواری‌هایی به همراه داشت. در رفت و آمد به مکان‌های مختلف دانشگاه و استفاده از وسایل نقلیه نیز مشکلاتی وجود داشت که دانشجویان این‌چنین بیان کرده‌اند: «رفت و آمد با اتوبوس و سرویس دانشگاه، سوار و پیاده‌شدن از اتوبوس مشکلاتی برای ما به همراه داشت که انتظار داشتیم سایر دانشجویان این موضوع را درک کنند. ما باید منتظر می‌ماندیم تا همه سوار شوند و در

شلوغی دچار مشکل نشویم. پیدا کردن صندلی خالی یکی از معضلات ما بود. وجود پله‌ها در مسیر و مشخص نشدن تقاطع دانشکده‌ها اغلب مشکل‌ساز است». برخی دیگر نیز بیان کردن که ضبط صدا در کلاس گاهی اوقات مشکل بود. برخی استادان به سختی قبول می‌کردند که صدای آنان ضبط شود. تبدیل متن به فایل صوتی یکی از مشکلات ما بود. کتاب‌های حجیم که باید ضبط می‌شد و به فایل صوتی تبدیل می‌شد، معمولاً دیر آماده می‌شد و ما فرصت کافی برای مطالعه نداشتیم. دانشجوی تحصیلات تکمیلی می‌گوید: «منشی پژوهشی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های دولتی در نظر گرفته می‌شود. برخی دانشگاه‌ها در این زمینه همکاری نمی‌کنند و ما با مشکل سنوات مواجه می‌شویم». برای آزمون دادن و اجرای آزمون‌ها نیز مشکلاتی عنوان شد که یکی از آنها اختصاص ندادن زمان اضافی برای آنان بود. برای آزمون‌هایی مانند آمار، عربی یا زبان انگلیسی از منشی‌هایی استفاده می‌شد که آشنایی با این دروس نداشتند و نمی‌توانستند از روی سوالات به درستی بخوانند. دسترسی به سایت کامپیوتر دانشگاه و گویا نبودن کامپیوترها نیز از مشکلاتی بود که دانشجویان برای دروسی مانند آمار و یادگیری نرم‌افزارها با آن روبرو بودند.

**تسهیلات رفاهی و بهزیستی:** از مشکلات خوابگاه محل اقامت می‌گویند: «دسترسی به آشپزخانه خوابگاه سخت بود و آشپزخانه از اتاق ما دور بود. تعداد دانشجویان در اتاق‌های خوابگاه زیاد است. هنگام گوش دادن به فایل صوتی از هندزفری استفاده می‌کردیم که مشکلاتی را برای شنوایی ما در پی داشت. اتاق مطالعه به آسانی در دسترس نبود و در نتیجه هم‌اتاقی‌ها ممکن بود هنگام مطالعه ما اذیت شوند. علاوه بر این، شماره برجسته ویژه نابینایان در دری ورودی کلاس‌ها و اتاق‌های اداری وجود نداشت. اتاق‌های دور از سلف و بازارچه برای ما مناسب نبود. اقامت در طبقات بالا و استفاده از پله‌ها برای ما سخت بود». دسترسی به امکانات مانند سرویس‌های بهداشتی، بوفه، غذاخوری، دفتر تایپ و تکثیر، دفتر استادان و بخش‌های فرهنگی برای ما آسان نبود. اغلب در رزرو غذا در سامانه مشکل داشتیم و استفاده از برخی سایت‌ها برای ما امکان‌پذیر نبود. استفاده از کافور در غذا به تحلیل شبکه چشم کمک می‌کند و برای ما مشکل بود که از این غذا استفاده کنیم.

**نگرش فرهنگی و باورها:** دانشجوی دکترا می‌گوید که به دلیل موفقیت‌های فرهنگی که داشتیم در مراسم‌ها و برنامه‌های فرهنگی مثل جشن روز دانشجو از من دعوت می‌شد ولی برای سایرین کمتر این فرصت فراهم می‌شد. ما باید خودمان تلاش کنیم تا خود را به جامعه معرفی کنیم. اغلب دانشجویان از محتوای تابلو اعلانات و برنامه‌ها و مسابقات فرهنگی بی‌خبر می‌مانند در حالی که دوست داشتند از این برنامه‌ها مخصوصاً مسابقات کتابخوانی و نوشتاری بهره‌مند شوند. همچنین در دسترسی به معاونت و اتاق‌های فرهنگی با مشکلاتی مواجه بودند. دانشجویان اغلب از حقوق خود خبر ندارند و دوست دارند از حقوق قانونی خود در دانشگاه آگاهی یابند. برخی از افراد در دانشگاه پذیرای افراد با آسیب بینایی نبودند. «توانایی و هوش ما را باور نداشتند و گاهی اوقات نمره ما را به کمک منشی در امتحان نسبت می‌دادند درحالی که منشی اغلب از کارکنان دانشگاه انتخاب می‌شد و آشنایی خاصی با درس‌های ما نداشت». حس ترحم به جای درک دانشجویان با آسیب بینایی یکی از مشکلاتی است که اغلب این افراد تجربه کرده‌اند: «شنیدن کلمه‌هایی مثل بیچاره، اخی بنده خدا، ناتوان و کلمه‌هایی که بار منفی داشت برای من سخت بود. بارها می‌شنیدم که در صف غذا می‌گفتند به این بدبخت کمک کنید غذاشو بگیرد مگه نمی‌بینید که ناتوان هست». شنیدن کلمات منفی و ترحم‌آمیز باعث می‌شود که توانایی ما نادیده گرفته شود. حتی گاهی خودمان نیز دلمان به حال خود می‌سوزد و این سبب می‌شود توانایی مان را دست کم بگیریم. دانشجویی از توانایی و مهارت‌های دانشجویان نابینا گفت و بیان کرد که «اگر در دانشگاه‌ها آموزش‌های لازم برای این افراد در نظر گرفته شود و آنها را با محیط، امکانات و بخش‌های مختلف آشنا کنند، این دانشجویان می‌توانند بدون نیاز به کمک دیگران و بر اساس مهارت‌هایی که دارند نیازهای خود را رفع کنند. آگاه‌سازی کارکنان و محیط دانشگاه از نیازها و توانایی‌های دانشجویان نابینا می‌تواند تا حدودی موثر باشد». «برخی افراد تصور می‌کردند که ما علاوه بر نابینایی درکی از صحبت‌های آنان نداریم و مستقیم با ما صحبت نمی‌کردند. به همراه ما می‌گفتند که به ما بفهماند. یک بار راننده سرویس به بچه‌ها گفت که به این آقا بگویید روی صندلی

بنشیند در حالی که من صندلی خالی را نمی‌دیدم. من هم با صدای بلند گفتم شما بگویند صندلی ردیف چندم هست من پیداش می‌کنم». دختر دانشجویی می‌گوید که در پیدا کردن جهت قبله در نمازخانه اغلب مشکل دارد و انتظار دارد دیگران او را راهنمایی کنند. خصوصا در مراسم دعا که رو به قبله می‌چرخند، دوست دارد که همگام با دیگران باشد.

**برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی:** دانشجویان برای شرکت در اردوها، مراسم‌ها و فعالیت‌های اجتماعی مواردی را مطرح کردند از جمله: «اغلب تماس و ارتباط با همکلاسی‌ها یا هم‌اتاقی‌ها برای ما مشکل بود و ارتباط اجتماعی خوبی با ما نداشتند. ما در گردش‌های گروهی، بیرون رفتن و عکس یادگاری گرفتن نادیده گرفته می‌شدیم». برخی از افراد با ویژگی‌های این دانشجویان آشنایی نداشتند و نمی‌دانستند چگونه با آنها ارتباط برقرار کنند. دانشجوی کارشناسی می‌گوید که من کم‌بینا هستم و از ظاهر چشمانم نمی‌توان این را تشخیص داد. هر وقت درخواست کمک دارم باور نمی‌کنند که مشکل دارم و با بی‌اهمیتی از کنارم می‌گذرند. حتی استادان باور نمی‌کردند که من مشکل بینایی دارم. گاهی اوقات دانشجویان، کارکنان و استادان نسبت به ما حس ترحم دارند که برای ما آزاردهنده هست. من همیشه ترجیح می‌دهم در جلوی کلاس بنشینم تا هم از باقی‌مانده بینایی‌ام استفاده کنم و هم این که صدای استاد را بهتر بشنوم که اغلب می‌بینم صندلی‌های جلو تکمیل شده‌اند و من باید از دیگران خواهش کنم که صندلی‌شان را به من بدهند.

**مشارکت اجتماعی و داوطلبانه:** دسترسی به مکان‌های فرهنگی و فعالیت‌هایی مانند همیار دانشجویی از جمله مواردی است که به مشارکت اجتماعی و داوطلبانه مربوط می‌شود. دانشجویان نابینا در بحث فعالیت‌های مربوط به اشتغال و کار دانشجویی بیان می‌کنند «ما توانایی انجام برخی از کارها را داریم ولی به توانایی ما توجهی نمی‌شود و فرصت کسب درآمد و تمرین کار برای ما فراهم نیست». همچنین در انجمن‌های علمی و فرهنگی دانشجویی به توانایی‌های آنان کمتر توجه می‌شود و به آنان مسئولیتی داده نمی‌شود. دسترسی به دفتر معاون و کارشناس فرهنگی، دسترسی و عضویت در انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی اجتماعی، دسترسی و عضویت در تشکل‌های دانشجویی مانند بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی از موارد مهمی هستند که از نظر دانشجویان دارای آسیب بینایی عنوان می‌کردند در این حوزه‌ها با محدودیت‌های عمده‌ای مواجه هستند. یکی از دانشجویان با آسیب بینایی می‌گفت «من از قواعد همیار دانشجویی اطلاع دارم و به کارشناس فرهنگی مراجعه کرده‌ام ولی گفته‌اند برای دانشجویان بینا هم محدودیت‌هایی وجود دارد برای شما که فکر کنم خیلی دشوار باشد و نتوانستم او را متقاعد کنم». مشارکت در طرح همیار دانشجویی، مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و جنبش‌های دانشجویی، مشارکت در جمع‌آوری کمک‌های مردمی و جشن‌های خاص و همچنین تمرین آمادگی برای اشتغال از جمله مواردی بود که دانشجویان با آسیب بینایی بر آنها تاکید داشتند.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر واکاوی مشکلات دانشجویان با آسیب بینایی در دانشگاه بود که پنج مقوله اصلی امکانات ساختاری و آموزشی، تسهیلات رفاهی و بهزیستی، نگرش فرهنگی و باورها، برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی، و مشارکت اجتماعی و داوطلبانه کشف و مورد مطالعه قرار گرفت. مقوله اول به امکانات ساختاری و آموزشی برای دانشجویان با آسیب بینایی مربوط می‌شد که سه مقوله فرعی رفت و آمد، امکانات تحصیلی، و آموزش و ارزشیابی را دربرمی‌گرفت. دانشجویان در مقوله فرعی رفت و آمد به محدودیت‌های وسایل حمل و نقل، فضای فیزیکی دانشگاه در سطوح دانشگاه، دانشکده و خوابگاه، علامت‌های راهنما و آموزش راننده‌ها اشاره کردند. در مقوله فرعی امکانات تحصیلی نیز فضا و تجهیزات کلاس درس، خط راهنمای ویژه نابینایان، ضبط صدا در کلاس، دسترسی به تجهیزات و نرم‌افزارهای کاربردی اشاره کردند و کمک همسال بینا را ارزشمند دانستند. در مقوله فرعی آموزش و ارزشیابی به آموزش استادان و دانشجویان همسال، آموزش فراگیر، فناوری کمکی، مناسب‌سازی روش‌های متنوع ارزشیابی، همیار کلاسی، مطالب مربوط به امتحانات و منشی اشاره شد. این یافته‌ها با نتایج

پژوهش سری تاکشارا و بوانسواری (۲۰۲۵) مبنی بر برجسته کردن ارتباط بین عامل فردی، محیط‌های حمایتی و نگرش‌های اجتماعی و همچنین حمایت از آموزش فراگیر، فناوری، و پذیرش دانش‌آموزان با آسیب بینایی برای تاب‌آوری و بهزیستی همسو است. علاوه بر این، با یافته‌های پژوهش براون و همکاران (۲۰۱۳) در خصوص اهمیت توجه به طراحی محیط یادگیری و متناسب‌سازی آن برای اطمینان از فراگیرسازی تحصیلی، فیزیکی و اجتماعی دانش‌آموزان با آسیب بینایی و نتایج پژوهش عاشوری و شریفی (۱۴۰۲) در راستای رفع موانع خیابان‌ها و پیاده‌روها، نصب کفپوش یا خط ویژه نابینایان در محوطه داخلی دانشکده‌ها، برجسته کردن شماره کلاس‌ها و اتاق‌های اداری و اختصاص اتاق مناسب برای انجام فعالیت‌های علمی برای دانشجویان با آسیب بینایی هم‌خوانی دارد. برای تبیین این یافته و بررسی تفاوت‌ها می‌توان گفت که گروه نمونه در پژوهش سری تاکشارا و بوانسواری (۲۰۲۵) و براون و همکاران (۲۰۱۳) دانش‌آموزان با آسیب بینایی بوده‌اند ولی گروه نمونه پژوهش حاضر دانشجویان با آسیب بینایی هستند. در ضمن این دو پژوهش بر مشکلات فیزیکی و آموزشی تاکید داشتند. تنها در پژوهش عاشوری و شریفی (۱۴۰۲) به بررسی تجربه زیسته گروه خاصی از دانشجویان با آسیب بینایی توجه شده است. این پژوهش نیز به لحاظ روش‌شناسی، سوال‌های پژوهش و نمونه پژوهش با مطالعه حاضر متفاوت است. علاوه بر این، پژوهش حاضر نگاه جامعی بر مسائل و محدودیت‌های آموزشی، رفاهی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان با آسیب بینایی دارد. در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که دانشجویان نابینا در فضای ساختاری و فیزیکی دانشگاه با چالش‌های گوناگونی روبرو می‌شوند. در ارتباط با محدودیت‌های آموزشی و شیوه ارزشیابی می‌توان گفت که نظام آموزشی دانشگاه‌ها بر اساس نیازهای دانشجویان بینا طراحی شده است. بنابراین ضرورت دارد تغییرات و متناسب‌سازی لازم در خصوص آموزش و شیوه ارزشیابی انجام شود و آموزش استادان و سایر دانشجویان در این زمینه توجه گردد.

یافته دوم پژوهش حاضر شامل مقوله تسهیلات رفاهی و بهزیستی می‌شد که دو مقوله فرعی تغذیه و بهداشت و همچنین زیست خوابگاهی را دربرمی‌گرفت. دانشجویان در مقوله فرعی تغذیه و بهداشت به شرایط فروشگاه، تعاونی، بوفه، رستوران، سلف، رزرو غذا، سرویس بهداشتی، حمام و مواردی از این قبیل اشاره کردند و در مقوله فرعی زیست خوابگاهی بر تعداد هم‌اتاقی‌ها، وضعیت اقامت در خوابگاه و مکان‌های موجود در آنجا تاکید داشتند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش براون و همکاران (۲۰۱۳) مبنی بر تجربیات دانش‌آموزان با آسیب بینایی را در مدارس عادی استرالیا در خصوص اهمیت متناسب‌سازی تسهیلات، یافته‌های پژوهش عاشوری و شریفی (۱۴۰۲) در راستای تعیین مکان مشخص برای سالن غذاخوری و خوابگاه، و نتایج پژوهش حسینعلی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در خصوص مساله خوابگاه و هم‌اتاقی و چالش‌های احتمالی همسو است. در راستای تبیین و برجسته کردن تفاوت‌ها می‌توان عنوان کرد در سه پژوهش اخیر فقط به صورت کلی به تسهیلات و مکان مشخص برای سالن غذاخوری، خوابگاه و چالش‌های احتمالی اشاره شده است در حالی که در پژوهش حاضر به عنوان مقوله‌های فرعی به این موارد توجه ویژه‌ای شده و محدودیت‌های مربوطه مورد بررسی قرار گرفته است. برای تبیین دقیق‌تر این یافته می‌توان گفت که افراد با آسیب بینایی از نظر تسهیلات رفاهی و مشارکت در حوزه‌های مختلف با محدودیت‌های خاصی مواجه هستند که بر زندگی آنها تاثیر می‌گذارد (سری تاکشارا و بوانسواری، ۲۰۲۵). دانشجویان با آسیب بینایی از همان ابتدای ورود به دانشگاه با چالش‌های زیادی روبرو می‌شوند (حسینعلی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱). با توجه به این که تغذیه، بهداشت و زندگی در خوابگاه از اهمیت اساسی برخوردار است و الزامات طبیعی زندگی هر فردی را تشکیل می‌دهند. بنابراین، شایسته است که به عنوان یک حوزه ضروری مورد توجه ویژه اعضای جامعه دانشگاهی قرار گیرد.

یافته بعدی این پژوهش کشف مقوله نگرش فرهنگی و باورها بود که شامل دو مقوله فرعی نگرش مثبت و خودباوری و همچنین اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی می‌شد. دانشجویان در مقوله فرعی نگرش مثبت و خودباوری بر نگرش مثبت به توانمندی‌ها، باور داشتن حقوق و توانایی‌های شخصی، حس ترحم و محدودیت‌ها، مشارکت و پذیرش تاکید داشتند و در مقوله فرعی اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی بر آگاه‌سازی از طریق گروه‌های کلاسی و رسانه‌های مجازی، کارگاه‌های آگاه‌سازی برای استادان و

دانشجویان اشاره کردند. در این راستا، دانلوپ و همکاران (۲۰۲۴) نیز در پژوهشی تجربیات تنهایی افراد با آسیب بینایی را بررسی کردند. مطالعه آنان نشان داد که افراد با آسیب بینایی نسبت به جمعیت عادی تنهایی و انزوای بیشتری را تجربه می‌کنند. در راستای تبیین این یافته حسینعلی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) همسو با نتایج این مطالعه نیازهای دانشجویان با آسیب بینایی را این‌چنین بیان کرده‌اند که نیازهای آنها اغلب در نظر گرفته نمی‌شود. افراد نابینا از ما انتظار ترحم ندارند ولی انتظار دارند در جهت حل مشکلاتشان آنها را تکریم کنیم. در واقع ما در تحلیل مطالب نابینایان با دو واژه ترحم و تکریم برخورد داریم. دو واژه‌ای که اگر ما بتوانیم معانی آنها را درک کنیم و درجهت کاستن از ترحم و افزایش تکریم نابینایان هر فرد در حد خودش و در حد مسولیتی که به یک نابینا دارد کوچکترین قدمی برداریم به یقین در زندگی این افراد تاثیر درخشانی خواهد داشت. بنابراین شایسته است که به نگرش فرهنگی مثبت و خودباوری و همچنین اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی دانشجویان با آسیب بینایی و سایر افراد توجه ویژه‌ای شود و کارگاه‌های تغییر نگرش برای استادان و دانشجویان با و بدون آسیب بینایی برگزار گردد. یافته چهارم پژوهش حاضر شامل مقوله برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌شد که سه مقوله فرعی اطلاع‌رسانی برنامه‌ها، مراسم‌های مذهبی، و اردوها و بازدیدهای گروهی را دربرمی‌گرفت. دانشجویان در مقوله فرعی اطلاع‌رسانی برنامه‌ها به آگاهی از همایش‌ها و جشن‌های فرهنگی، برنامه‌های مناسبتی، اردوهای تفریحی، برنامه‌های ورزشی و مواردی از این قبیل اشاره کردند. آنها در مقوله فرعی مراسم‌های مذهبی بر شرکت در نماز جماعت، اعیاد ملی و مذهبی، مناسبت‌های فرهنگی، برنامه‌های تشکل‌های دانشجویی مانند بسیج و کانون‌های فرهنگی اجتماعی مانند کانون ایثار و شهادت و کانون انتظار تاکید داشتند. علاوه بر این، در مقوله فرعی اردوها و بازدیدهای گروهی بر شرکت در اردوهای فرهنگی، راهیان نور، مشارکت در بازدیدهای تفریحی، شرکت در دوره‌های دوستانه و دسته‌جمعی تاکید کردند. همسو با نتایج این پژوهش، کروکاو اسکایت و ساداو اسکاس (۲۰۲۴) پژوهشی با هدف آشکارسازی اهمیت فعالیت‌های مشترک فرهنگی اجتماعی افراد با و بدون آسیب بینایی انجام دادند. آنان تاکید کردند که فعالیت‌هایی مانند پیاده‌روی و کوه‌پیمایی به عنوان یک فعالیت فرهنگی اجتماعی مشترک، هدفی مانند یک نوع گردشگری یا تفریح دارد. برای مثال فعالیت‌های ورزشی مشترک این افراد نوعی فعالیت چندرشته‌ای است و حوزه‌هایی مانند ارتباطات اجتماعی، ورزش، گردشگری، بهداشت عمومی و سایر زمینه‌ها را دربرمی‌گیرد. این برنامه‌ها می‌توانند به یکی از فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی موثر برای افراد با آسیب بینایی تبدیل شود تا خود را بهتر بشناسند، ابراز وجود کنند و احساس کنند که با سایر اعضای جامعه برابر هستند. در راستای تبیین این یافته پژوهش حاضر می‌توان مطرح کرد که فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی مکمل هم هستند. از طرفی، مسافرت، گردش رفتن و تفریح کردن به استقلال افراد با آسیب بینایی کمک می‌کند (خونساری و عاشوری، ۱۴۰۲). این فعالیت‌ها باعث حفظ ارزش‌های فرهنگی می‌شود (سینکونیه، ۲۰۱۲). علاوه بر این، افراد دارای ناتوانی که در این فعالیت‌ها شرکت می‌کنند، در جامعه فراگیرتری درگیر می‌شوند و احساس می‌کنند که با سایر اعضای جامعه برابر هستند، زیرا می‌توانند از توانایی‌های خود استفاده کنند (کودریاوتسوا، ۲۰۲۲). بنابراین ضرورت دارد که توجه ویژه‌ای به مقوله برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی شود که همواره اطلاع‌رسانی برنامه‌ها، مراسم‌های مذهبی، و اردوها و بازدیدهای گروهی به دانشجویان با آسیب بینایی مدنظر قرار گیرد.

یافته آخر این پژوهش، کشف مقوله مشارکت اجتماعی و داوطلبانه بود و دو مقوله فرعی دسترسی به مکان‌های فرهنگی و همیار دانشجویی را دربرمی‌گرفت. دانشجویان با آسیب بینایی در مقوله فرعی دسترسی به مکان‌های فرهنگی به دسترسی به دفتر معاون و کارشناس فرهنگی، عضویت در انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی اجتماعی، دسترسی به تشکل‌های دانشجویی مانند بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی اشاره داشتند و در مقوله فرعی همیار دانشجویی بر مشارکت در فعالیت‌های دانشجویی و داوطلبانه، مشارکت در جمع‌آوری کمک‌های مردمی و جشن‌های خاص، و همچنین آمادگی برای اشتغال تاکید کردند. یافته‌های این بخش از پژوهش حاضر با نتایج پژوهش کابین و فانشو (۲۰۲۰) مبنی بر مسؤلیت‌پذیری و مشارکت افراد دارای آسیب بینایی در فعالیت‌های اجتماعی همخوانی دارد. در این پژوهش دانشجویان خواسته‌هایی دارند که برای رشد اجتماعی آنها

ضروری است. ایجاد فرصت‌هایی که با شمول اجتماعی طراحی شده‌اند و احساس تعلق در محیط ایجاد می‌کنند برای همه افراد لازم هستند. دانشجویان دارای آسیب بینایی همیشه از حمایت اجتماعی که دریافت می‌کنند، راضی نیستند و در نتیجه، آموزش کارکنان و آگاهی دادن به آنان از پیشنهادهای مهم در این حوزه است (مانیتسا و دویکو، ۲۰۲۲). در این زمینه شایسته است که توجه خاصی به مقوله مشارکت اجتماعی و داوطلبانه دانشجویان با آسیب بینایی در سطح محله و جامعه شود و دسترسی آنها به مکان‌های فرهنگی شهری و مشارکت در امور داوطلبانه مدنظر قرار گیرد.

به‌طور کلی، نتایج واکاوی و کشف مشکلات آموزشی، رفاهی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان نابینا بیانگر دستیابی به پنج مقوله اصلی و دوازده مقوله فرعی به‌دست آمد. مقوله اصلی اول امکانات ساختاری و آموزشی بود که شامل سه مقوله فرعی رفت و آمد، امکانات تحصیلی، و آموزش و ارزشیابی می‌شد. مقوله اصلی دوم تسهیلات رفاهی و بهزیستی است که دو مقوله فرعی تغذیه و بهداشت و همچنین زیست‌خوابگاهی را دربرمی‌گرفت. مقوله اصلی سوم نگرش فرهنگی و باورها بود که دو مقوله فرعی نگرش مثبت و خودباوری و همچنین اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی دربرمی‌گرفت. مقوله اصلی بعدی برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی است که شامل سه مقوله فرعی اطلاع‌رسانی برنامه‌ها، مراسم‌های مذهبی و اردوها و بازدیدهای گروهی می‌شد. مقوله اصلی آخر به مشارکت اجتماعی و داوطلبانه اشاره داشت که دو مقوله فرعی دسترسی به مکان‌های فرهنگی و همیار دانشجویی دربرمی‌گرفت. بر اساس یافته‌ها، بررسی محدودیت‌های دانشجویان دارای آسیب بینایی نشان داد که آنها در دانشگاه با مشکلاتی مواجه می‌شوند که می‌توان مداخلات مناسبی را با استفاده از مقوله‌های اصلی و فرعی این پژوهش طراحی کرد و مشکلات آنان را کاهش داد. با اعمال یک سری تغییرات و مناسب‌سازی فضای دانشگاهی، آگاهی دادن به افراد و کارکنان و معرفی ویژگی‌ها، محدودیت‌ها و توانایی‌های دانشجویان با آسیب بینایی می‌توان بسیاری از این محدودیت‌ها را کاهش داد. چشم‌انداز یک نابینا برای داشتن یک زندگی مطلوب مشروط به نگرش مثبت عمومی و جستجوی فرصت‌های تعامل متقابل است. این تعامل به معنی آمادگی افراد بینا برای پذیرش فرد متفاوت و تلاش فرد نابینا برای فعال و توانمند شدن است. به‌هرحال، در پژوهش کیفی حاضر محدودیت‌هایی در ابزار پژوهش که مصاحبه نیمه‌ساختار یافته چهار سوالی بود، نمونه پژوهش که تفاوت‌هایی در اطلاعات جمعیت‌شناختی داشتند و حتی تحلیل و نتیجه‌گیری یافته‌ها دارد و در مقایسه با برخی پژوهش‌های کمی از شفافیت نسبتاً کمتری برخوردار است. از جمله محدودیت‌های دیگر پژوهش، محدودیت در حجم نمونه به دلیل تعداد اندک دانشجویان نابینا در دانشگاه‌ها و تفاوت‌های آنها به لحاظ دوره تحصیلی و شرایط خاص هر یک است. علاوه بر این، پژوهش‌هایی کمی در زمینه واکاوی و کشف محدودیت‌های دانشجویان نابینا در چهار حوزه اساسی آموزشی، رفاهی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که به صورت متمرکز در یک پژوهش انجام شده باشد. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران با استفاده از یافته‌های پژوهش پرسشنامه‌هایی طراحی کنند تا دانشجویان و سایر گروه‌های با آسیب بینایی بتوانند در پژوهش‌های بعدی به تفاوت در دوره‌های تحصیلی دانشجویان و سایر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند سن و وضعیت تاهل و حتی ویژگی‌های روانشناختی آنها توجه ویژه‌ای شود. پیشنهاد دیگر این است که از یافته‌های این پژوهش در راستای آگاه‌سازی اعضای جامعه دانشگاهی استفاده شود.

## تشکر و قدردانی

از همه‌ی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش کمال تشکر را دارم.

## منابع

- ادیب، ی.، و عظیمی آقبلاغ، ا. (۱۳۹۹). واکاوی محدودیت‌های تحصیلی دانشجویان نابینا و کم‌بینا: یک پژوهش کیفی. *روانشناسی افراد/استثنایی*، ۱۰(۴۰)، ۹۹-۱۳۲.
- حسینعلی‌زاده، م.، فرامرزی، س.، فروتن، س.، و محسنی اژیه، علیرضا. (۱۴۰۱). تجربه زیسته دانشجویان نابینا از دانشگاه: یک مطالعه پدیدارشناسی. *پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات*، ۴(۴۱)، ۶۸-۷۸.

- خونساری، ف.، و عاشوری، م. (۱۴۰۲). تجربه زیسته دانش‌آموزان با آسیب بینایی از زندگی با مادران بینا: یک مطالعه کیفی. *خانواده درمانی کاربردی*، ۴(۳)، ۳۸۸-۴۰۹.
- رنگانی، ن.، و عاشوری، م. (۱۴۰۲). ساخت مدل چالش‌های پیش‌روی مردان سالمند دارای آسیب بینایی: پژوهشی کیفی بر اساس نظریه داده‌بنیاد. *فصلنامه علمی پژوهشی مددکاری اجتماعی*، ۱۲(۱)، ۳۸-۴۸.
- عاشوری، م. (۱۴۰۲). *روانشناسی، آموزش و توانبخشی افراد نابینا و کم‌بینا*. چاپ اول. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- عاشوری، م.، و شریفی، ع. (۱۴۰۲). بررسی تجربه زیسته دانشجویان دارای آسیب بینایی بر اساس روش پدیدارشناسی. *توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۱۴(۳)، ۱-۱۱.
- Bonsaksen, T., Brunes, A., & Heir, T. (2023). Quality of life in people with visual impairment compared with the general population. *Journal of Public Health*, 1-9.
- Brown, C. M., Packer, L., & Passmore, A. (2013). Adequacy of the regular early education classroom environment for students with visual impairment. *Journal of Special Education*, 46(4), 223-232.
- Basu, M., & Sambath Rani, K. (2023). Barriers at workplace: Challenges for adults with visual impairments: A systematic literature review. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 117(4), 326-335.
- Cain, M., & Fanshawe, M. (2019). Opening eyes to vision impairment: Inclusion is just another way of seeing. *Opening eyes onto inclusion and diversity*.
- Cain, M., & Fanshawe, M. (2020). Catering for the specialized needs of students with vision impairment in mainstream classes: Listening to student voices for academic, physical, and social inclusion. In *Inclusive theory and practice in special education* (pp. 192-211). IGI Global.
- Dunlop, C., Thurston, M., Firth, K., & Southwood, E. (2024). Experiences of loneliness and isolation among people with visual impairment: A review of literature (2016–2023). *British Journal of Visual Impairment*, 02646196241265630.
- Fullarton, S., & Duquette, C. (2016). Experiences of Students with Learning Disabilities in Ontario Universities: A Case Study. *International Journal of Special Education*, 31(1), 55-66.
- Helena Martins, M., Borges, M. L., & Gonçalves, T. (2018). Attitudes towards inclusion in higher education in a Portuguese university. *International Journal of Inclusive Education*, 22(5), 527-542.
- Kamali, N., & Ashori, M. (2023). The effectiveness of orientation and mobility training on the quality of life for students who are blind in Iran. *British Journal of Visual Impairment*, 41(1), 108-120.
- Kruckauskaite, J., & Sadauskas, J. (2024). The experiences of sighted people in common socio-cultural activities with blind people. In *society. Integration. Education. Proceedings of the International Scientific Conference* (pp. 593-603).
- Kudryatseva, M.E., & Lebedeva, S.S. (2022). Professional activities of disabled people as a factor of the development of education in an inclusive society. *Diskurs*, 8(2), 53-65.
- Manitsa, I., & Doikou, M. (2022). Social support for students with visual impairments in educational institutions: An integrative literature review. *British Journal of Visual Impairment*, 40(1), 29-47.
- Mirzajonova, E. T. (2022). To the Question of the Effectiveness of Socio-Cultural Adaptation of Children with Special Needs Spectrum. *Journal of Innovation, Reforms and Development*, 21(2), 89-94.
- Sinkuniene, J. R. (2012). *Community, communication and music: Socio-cultural aspects of disability: monograph*. Vilnius: Mykolas Romeris University.
- Sri Takshara, K., & Bhuvanewari, G. (2025). Empowering visually impaired individuals: The transformative roles of education, technology, and social connections in fostering resilience and well-being. *British Journal of Visual Impairment*, 1(2)
- Whitburn, B. (2014). A really good teaching strategy': Secondary students with vision impairment voice their experiences of inclusive teacher pedagogy. *British Journal of Visual Impairment*, 32(2), 148-156

## Analyzing and Discovering Educational, Welfare, Cultural and Social Problems of Blind Students in order to Inform Members of the Academic Community

Sakine Farrokhian<sup>1</sup>, Mohammad Ashori\*<sup>2</sup>

### Abstract

The current research was conducted with the aim of analyzing and discovering the educational, welfare, cultural and social problems of blind students in order to inform the members of the academic community. This research was qualitative type and descriptive phenomenological method was used. The participants in this research included all the blind students of Shiraz city who were selected by purposive sampling method with criterion type. A semi-structured interview was used to collect data. Descriptive phenomenological analysis and simultaneous coding were used to analyze the data from the interview. By analyzing the findings of the interview, five main themes and twelve sub-themes were obtained. The main theme of structural and educational facilities included three sub-themes of commuting, educational facilities, and training and evaluation. The main theme of welfare and well-being facilities included two sub-themes of nutrition and health as well as dormitory living. The main theme of cultural attitude and beliefs included two sub-themes of positive attitude and self-belief, as well as information and awareness. The main theme of cultural and social programs included three sub-themes of informing programs, religious ceremonies, and camps and group visits. The main theme of social and voluntary participation included two subcategories of access to cultural places and student assistant. Based on the findings, the examination of the problems of visually impaired students showed that they face problems in the university, that appropriate interventions can be designed using the main themes and sub-themes of this research and reduce their problems.

**Keywords:** Blind Students, Cultural Problems, Educational Problems, Social Problems, Welfare Problems

Submission: 27 August 2024    Revised: 17 October 2024    Accepted: 28 October 2024

1. Ph. D student of Psychology and Education of People with Special Needs, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
2. **Corresponding author:** Associate Professor, Department of Psychology and Education of People with Special Needs, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. **Email:** m.ashori@edu.ui.ac.ir